

تأثیر آموزش راهبردهای شاکرانه بر گسترش عواطف مثبت و شادکامی

زینب لشنی^۱

محمد رضا شعیری^۲

محمد علی اصغری مقدم^۳

محمود گلزاری^۴

تاریخ وصول: ۹۰/۳/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۰/۹/۲۵

چکیده

شکرگزاری به عنوان سازه‌ای نوظهور در روان‌شناسی با متغیرهای مختلفی رابطه داشته است. هدف پژوهش حاضر، تعیین تأثیر آموزش راهبردهای شاکرانه بر گسترش عاطفه مثبت و شادکامی در جمعیت بهنجهار است.

جامعه آماری تحقیق حاضر در برگیرنده دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه‌های شاهد، علم و فرهنگ و ولی‌عصر بوده است، که از این میان ۹۱ نفر به روش نمونه‌گیری خوش‌های انتخاب شدند و فرم رضایت‌نامه شرکت در پژوهش را تکمیل نمودند که به طور تصادفی در

۱- کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی

۲- استادیار دانشگاه شاهد

۳- دانشیار دانشگاه شاهد

۴- استادیار دانشگاه علامه طباطبائی

چهار گروه (راهبردهای شاکرانه امونس، سلیگمن، کلامی- عملی و کنترل) جایگزین گردیدند، و در نهایت پس از آزمودنی‌ها، ۷۲ نفر تا پایان مداخلات و ارزیابی‌ها باقی ماندند. میانگین سنی آزمودنی‌ها برابر $S=2/27$ ($20/21$) بوده است. ابزارهای مورد استفاده در این تحقیق پرسش‌نامه عواطف مثبت و منفی (PANAS) و شادکامی آکسفورد بوده‌اند. کاسکوئر به‌دست آمده ناشی از مقایسه گروه‌های شکرگزاری (امونس، سلیگمن، کلامی- عملی) و کنترل در متغیر عاطفه مثبت با توجه به مقادیر بحرانی معنادار می‌باشد. همچنین، کاسکوئر به‌دست آمده ناشی از مقایسه گروه‌های شکرگزاری (سلیگمن، کلامی- عملی) و کنترل در متغیر شادکامی با توجه به مقادیر بحرانی معنادار می‌باشد. بدین ترتیب، راهبردهای شاکرانه می‌تواند عواطف مثبت و شادکامی را در جمعیت بهنجار افزایش دهد.

واژگان کلیدی: شکرگزاری، راهبردهای شاکرانه، عاطفه مثبت و شادکامی.

مقدمه

باید توجه داشت که اگر چه تخفیف آسیب روان‌شناختی مهم است اما، فقدان آسیب روانی با داشتن سلامت روان‌شناختی متفاوت است (کیز¹، ۲۰۰۷). متناسب با چنین دیدگاهی یکی از متغیرهایی که به تازگی توجه اندیشمندان علوم رفتاری را به عنوان یک هیجان مثبت، به خود جلب نموده است، قدردانی، شکرگزاری یا سپاسگزاری است. شکرگزاری یک حالت پیچیده است که به گستره شناختی - عاطفی تعلق دارد (کلر²، ۱۹۸۷). همچنین، به عنوان یک هیجان، حالتی استناد وابسته است که از یک فرایند دو مرحله‌ای شناختی حاصل می‌شود: الف- تشخیص اینکه آدمی چیز مثبتی را به‌دست آورده است و ب- تشخیص اینکه دیگری به عنوان یک منبع

1. Keyes, C. L. M.

2. Clore, G. L.

بیرونی در به دست آوردن آن نتیجه مثبت سهیم است (واینر^۱، ۱۹۸۵). تحقیقات اخیر نیز، شکرگزاری را در ساختار روابط بین فردی جستجو می‌کنند و به دنبال تأثیرات آن در روابط افراد خانواده و زندگی روزمره افراد هستند (آلگو^۲ و همکاران، ۲۰۰۸). البته، این دستاوردهای روان‌شناسی مثبت‌گرا، هیجانی است که مردان در روابط بین فردی خود به دنبال اجتناب از ابزار و تجربه آن می‌باشند (نیتو^۳ و همکاران، ۲۰۰۵) زیرا، گاهی با قدرت و مقام ایشان تعارض دارد و احساس بدھکاری و وابستگی را برای برخی از مردان ایجاد می‌کند (سولومون^۴، ۱۹۹۵).

در تبیین زوایای مختلف شکرگزاری تاکنون سه مدل روان‌شناسی ارائه شده است.

فردیسکون (۲۰۰۱) شکرگزاری را به عنوان یکی از هیجان‌های مثبت می‌داند و تأثیری موقت برای آن قائل است، اما آن را میانجی ایجاد برخی هیجان‌ها و افکار می‌داند که این هیجانات و افکار می‌توانند موجب افزایش پایدار بهزیستی گردند. مک‌کلاگ (۲۰۰۱) شکرگزاری را یک هیجان اخلاقی می‌داند که یک مشوق برای نعمت‌گیرنده و منعم و سایر افراد است و نیز احتمال این که منعم در آینده نیز به لطف خود ادامه دهد را بیشتر می‌کند. این مدل با منابع دینی مسلمانان که شرکت کنندگان این پژوهش را تشکیل می‌دهند، همخوانی دارد و یکی از نمودهای آن در آیه هفت سوره ابراهیم است که: «لان شکرتم لازیدنکم»، یعنی «اگر شکرگزاری کنید بر نعمتان می‌افزاییم». علاوه بر مدل‌های ذکر شده که نشانگر تأثیرات شکرگزاری بر خود فرد شکرگزار (فردیسکون، ۲۰۰۱) یا فرد نعمت‌دهنده و سایر افراد (مک‌کلاگ و همکاران، ۲۰۰۱، ۲۰۰۱) بودند، وود و همکاران (۲۰۰۸b) با ارائه مدل شناختی- اجتماعی حالت و صفت شکرگزاری به بررسی تجربی ارتباط بین حالت شکرگزاری و صفت شکرگزاری پرداخته‌اند. آن‌ها نشان دادند که ارزیابی هزینه صرف شده فرد توسط دهنده، ارزش (نعمت)، خالصانه بودن کمک، در متغیری به نام «ارزیابی سودمندی»^۵ پنهان می‌شوند.

1. Weiner, B

2. Algoe, S. B

3. Naito, T.

4. Solomon,

5. Benefit appraisal

ارزیابی سود به طور قاطعی میانجی رابطه بین حالت و صفت شکرگزاری می‌باشد (مک‌کلاگ و همکاران، ۲۰۰۱).

با توجه به حوزه‌های پژوهشی در خصوص سازه شکرگزاری می‌توان به سه حوزه‌ی همبسته‌های شکرگزاری، مقایسه گروه‌های متفاوت و انجام مداخلات مربوط به راهبردهای شاکرانه، اشاره نمود (مک‌کلاگ و همکاران، ۲۰۰۲). تحقیقات همبستگی، نشان‌دهنده وجود متغیرهای همبسته متعددی چون امید، معنویت، عاطفه اجتماعی و مدیریت احساس، بخشش (مک‌کلاگ و همکاران، ۲۰۰۲)، مسئولیت‌پذیری (ثرندایک^۱، ۲۰۰۷)، رضایت از زندگی (آدلر^۲ و فاگلی^۳، ۲۰۰۵ و دیکرهوف^۴، ۲۰۰۷)، برون‌گرایی، توافق، وجودانی بودن و باز بودن به تجربه (نیتو، ۲۰۰۷، وود و همکاران، ۲۰۰۹a و ۲۰۰۸c)، بهبود کیفیت خواب (وود و همکاران، ۲۰۰۹b) و افسردگی پایین‌تر (مک‌کلاگ و همکاران، ۲۰۰۲ و وود و همکاران، ۲۰۰۸a) می‌باشد. در خصوص تفاوت‌های بین گروه‌ها می‌توان به مقایسه گروه‌های جنسیتی (بیکر و سمنز، ۱۹۸۶، گوردن و همکاران، ۲۰۰۴، وینتیمیگیا، ۱۹۸۲) و سنی (بامگرتن-ترامر، ۱۹۳۸) متفاوت اشاره نمود و اما مداخلات آزمایشی انجام شده در ارتباط با آموزش راهبردهای شاکرانه، افزایش شادکامی (سلیگمن، ۲۰۰۵، ازگه‌گورل^۵، ۲۰۰۷، فروح^۶ و همکاران، ۲۰۰۸a و دیکرهوف، ۲۰۰۷)، عاطفه مثبت (مک‌کلاگ و همکاران، ۲۰۰۲، ازگه‌گورل، ۲۰۰۷، واتکیتز^۷ و همکاران، ۲۰۰۳ و شلدون^۸ و لیوبومیرسکی^۹، ۲۰۰۶)، خوش‌بینی (سلیگمن، ۲۰۰۵ و فروح و همکاران، ۲۰۰۷)، رضایت از زندگی (ازگه‌گورل، ۲۰۰۷ و دیکرهوف، ۲۰۰۷)، بهزیستی ذهنی (۲۰۰۸a).

-
1. Thorndike, J. M.
 2. Adler, M. G.
 3. Fagley, N. S.
 4. Dickerhoof, R. M.
 5. Ozge Gurel, K.
 6. Froh, J.
 7. Watkins, P. C.
 8. Sheldon, K. M.
 9. Lyubomirsky, S.

تاثیر آموزش راهبردهای شاکرانه بر گسترش عواطف... ۱۳۹

(دیکرهوف، ۲۰۰۷)، بهبود کیفیت خواب (وود و همکاران، ۲۰۰۹b) و کاهش افسردگی (سلیگمن، ۲۰۰۵) وغیره بوده است.

سازه شکرگزاری در ایران به عنوان یک گستره پژوهشی کمتر مورد توجه بوده است، با این که در شرایط فرهنگ ما و در رفتارهای رایج زندگی روزمره مسئله قدردانی، سپاسگزاری یا شکر، در فرهنگ عمومی و دینی، مورد تأکید قرار گرفته، اما حقیقت این است که به لحاظ علمی و پژوهشی کمتر به آن پرداخته شده است. بدین خاطر، مسئله پژوهش حاضر این بوده است که آیا ورود این سازه در مداخلات پژوهشی با توجه به پیشینه فرهنگی- دینی شکرگزاری در ایران می تواند تأثیرگذار باشد یا خیر؟ آیا راهبردهای مختلف شاکرانه می توانند عاطفه مثبت و شادکامی را در نمونه های غیربالینی، فزونی بخشد؟

روش تحقیق

آزمودنی

الف. جامعه آماری: جامعه آماری تحقیق حاضر در برگیرنده دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه های شاهد، علم و فرهنگ و ولیعصر بوده است.

ب. نمونه تحقیق: در بررسی حاضر، ۹۱ دانشجوی دانشگاه های شاهد، علم و فرهنگ و ولیعصر، به روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب شدند و فرم رضایت نامه شرکت در پژوهش را تکمیل نمودند، که در نهایت پس از افت آزمودنی ها، ۷۲ نفر تا پایان مداخلات و ارزیابی ها باقی ماندند و در گروه های چهار گانه امونس ($n=12$)، سلیگمن ($n=9$)، کلامی - عملی ($n=6$) و کنترل ($n=12$) به طور تصادفی جایگزین گردیدند، که تحلیل نهایی نتایج بر اساس ۷۲ آزمودنی پایانی انجام شده است. میانگین سنی آنها برابر $20/21$ ($S=2/27$) بوده است.

ابزار تحقیق

ابزارهای مورد استفاده در این تحقیق به شرح ذیل بوده است:

الف. مقیاس عاطفه مثبت و منفی (PANAS)

این مقیاس، ابزار خودسنجی ۲۰ ماده‌ای است و برای اندازه‌گیری دو بعد خلق، یعنی «عاطفه مثبت» و «عاطفه منفی» طراحی شده است (واتسون^۱ و همکاران، ۱۹۸۸). هر خرد مقیاس ۱۰ ماده دارد. ماده‌ها بر روی یک مقیاس پنج درجه‌ای (۱=بسیار کم تا ۵=بسیار زیاد) از سوی آزمودنی رتبه‌بندی می‌شود. در بررسی حاضر، از ۱۰ عبارت «عاطفه مثبت» (PA) استفاده شده است. مطالعه حاضر، چارچوب زمانی هفته جاری، یعنی جنبه حالت را مورد سنجش قرار می‌دهد. در پژوهش مظفری (۱۳۸۲) میزان آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های عاطفه مثبت و منفی به ترتیب ۰/۸۳ و ۰/۸۲ و به شیوه بازآزمایی ۰/۶۵ و ۰/۶۸ به دست آمده است (مظفری، ۱۳۸۲). نتایج تحلیل عاملی تأییدی بخشی پور (۱۳۸۴) نشان می‌دهد که الگوی دو عاملی برآزنده ترین الگو است (بخشی پور، ۱۳۸۴). در بررسی حاضر، ۱۰ ماده مربوط به عواطف مثبت مورد استفاده قرار گرفته است.

ب. پرسش‌نامه شادکامی آکسفورد

این ابزار توسط آرجیل^۲ و همکاران (۱۹۸۹) ساخته شد. پرسش‌نامه شادکامی آکسفورد دارای ۲۹ ماده چهار گزینه‌ای است که گزینه‌های آن به ترتیب از صفر تا سه نمره گذاری می‌شود و نمره هر آزمودنی بین صفر تا ۸۷ قرار می‌گیرد. پرسش‌نامه شادکامی آکسفورد در ایران توسط عابدی و همکاران (۱۳۸۵) بر روی ۷۷۷ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان که به روش نمونه‌گیری تصادفی-طبقه‌ای انتخاب شدند، اجرا و هنجاریابی گردیده است. نمره‌های به دست آمده به رتبه درصدی، Z و T تبدیل شده و جدول هنجار درصدی و استاندارد دانشجویان ارائه

1. Watson, C. L. A.

2. Argyle, M.

تاثیر آموزش راهبردهای شاکرانه بر گسترش عواطف...

گردیده است. میانگین و انحراف معیار به ترتیب ۴۴/۴ و ۱۳/۳ بوده است (اعبدی و همکاران، ۱۳۸۵).

ج. سؤال مربوط به انگیزه:

قبل از شروع آموزش، از شرکت‌کنندگان خواسته شد تا میزان انگیزه خود برای شرکت در گروه‌های پژوهش بر اساس الگوی لیکرتی ۷ درجه‌ای مشخص کنند.

د. فرم رضایت‌نامه شرکت در پژوهش:

در برگیرنده سؤالی در خصوص تمایل شرکت‌کننده، جهت همکاری و شرکت در گروه‌های پژوهش بوده است.

فرایند اجرای پژوهش

آزمودنی‌های یاد شده، به طور تصادفی در یکی از چهار گروه (شکرگزاری امونس، شکرگزاری سلیگمن، شکرگزاری کلامی- عملی و کنترل بدون مداخله) جایگزین شدند و دستورالعمل‌های جداگانه‌ای را در پاکت‌های مخصوص به خود دریافت نمودند. در مورد گروه اول، راهبرد شاکرانه امونس (۲۰۰۳) اعمال گردید. در راهبرد شاکرانه امونس (۲۰۰۳) از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شد که روزی ۵ داشته (نعمت) خود را که به خاطر وجودش شکرگزاری یا قدردانی کرده‌اند و یا اکنون شکرگزار و قدردان آن هستند، بنویسند. در مورد گروه دوم، راهبرد شاکرانه دیکرهوف (۲۰۰۷) که براساس نظرگاه سلیگمن (۲۰۰۵) طراحی شده است می‌باشد که از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شد که فردی که محبت ویژه‌ای به آنها کرده، ولی هرگز نشنیده است که نسبت به او قدردانی داشته باشند، نامه‌ای سپاسگزارانه بنویسند. در مورد گروه سوم، راهبرد شاکرانه کلامی- عملی که مبنی بر الگوی امونس (۲۰۰۳) می‌باشد که با توجه به ویژگی‌های فرهنگ ایرانی- اسلامی به عرصه کلام و عمل وارد شده است. به طوری که از فرد خواسته می‌شد علاوه بر دستورالعمل امونس (۲۰۰۳) که یک

راهبرد نوشتاری است، در کلام و عمل نیز شکرگزاری خود را ابراز کند. گروه چهارم، بدون مداخله بودند و فقط در ارزیابی‌ها شرکت نمودند. این گروه به نحوی در انتظار آموزش بودند.

شیوه تحلیل داده‌ها

در این تحقیق برای تحلیل داده‌ها علاوه بر استفاده از آمار توصیفی، از آزمون کروسکال والیس برای مقایسه متغیرها در گروه‌های چندگانه استفاده گردید. همچنین برای مقایسه دو به دوی گروه‌ها با یکدیگر از آزمون یومن ویتنی استفاده شده است.

یافته‌ها

الف. نتایج توصیفی مربوط به متغیر عاطفه مثبت در گروه‌های مختلف شکرگزاری (امونس، سلیگمن و کلامی - عملی) و کنترل، همچنین آزمون کروسکال والیس مربوط به متغیر عاطفه مثبت در جدول ۱ ارائه شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرستال جامع علوم انسانی

تاثیر آموزش راهبردهای شاکرانه بر گسترش عواطف... ۱۴۳

جدول ۱. نتایج توصیفی مربوط به متغیر عاطفه مثبت در پیش، پس و تفاصل نمرات پیش-پس،

به علاوه نتایج مربوط به آزمون کروسکال والیس ناشی از مقایسه گروه‌های مداخله شکرگزاری و کنترل

متغیر	گروه	میانگین	پیش آزمون	پس آزمون	تفاضل نمرات	درجه سطح	کاسکوئر	آزادی	معناداری	شاخص
			پیش آزمون	پس آزمون-						پیش آزمون
امونس	شکرگزاری	۰/۰۰۱	۳	۱۶/۳۵	(-۰/۳۲)	(۳۷/۵۶)	(۳۷/۲۳)	میانگین	پیش آزمون	پس آزمون
معیار				۳/۴۲	۵/۲۱	۳/۲۷	انحراف			
سلیگمن	شکرگزاری	۴/۴۱		۲/۹۷	۲/۸۷		انحراف	میانگین	(۳۹/۱۱)	(-۲/۵۵)
معیار										
کلامی-	شکرگزاری	۲/۴۸		۲/۷۱	۲/۵۰	انحراف	میانگین	میانگین	(۳۶/۶۲)	(۰/۸۷)
عملی										
کنترل	کنترل	۳/۱۳		۵/۳۲	۴/۵۵	انحراف	میانگین	میانگین	(۳۷/۷۵)	(۴/۷۵)
معیار										

نگاهی به یافته‌های ارائه شده در جدول ۱ نشان می‌دهد که کاسکوئر به دست آمده ناشی از مقایسه گروه‌های شکرگزاری (امونس، سلیگمن، کلامی - عملی) و کنترل در متغیر عاطفه مثبت با توجه به مقادیر بحرانی معنادار می‌باشد.

ب) نتایج مربوط به متغیر شادکامی در گروه‌های مختلف شکرگزاری (امونس، سلیگمن و کلامی - عملی) و کنترل، همچنین آزمون کروسکال والیس مربوط به متغیر شادکامی در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج توصیفی مربوط به متغیر شادکامی در پیش و پس و تفاضل نمرات پیش، پس پژوهش به علاوه یافته‌های مربوط به آزمون کروسکال والیس ناشی از مقایسه گروه‌های مداخله شکرگزاری و کنترل

متغیر	گروه	شاخص		پیش آزمون	پس آزمون	تفاضل نمرات	کاسکوئر درجه سطح	آزادی معناداری	پیش آزمون-
		میانگین	انحراف						
امونس	شکرگزاری	۰/۰۴	۳	۸/۱۲	(-۱/۲۵)	(۴۶/۱۶)	(۴۴/۹۱)	-	پیش آزمون
معیار	شکرگزاری	۹/۴۴	۱۵/۳۴	۱۲/۲۵	۱۲/۰۶	۱۲/۰۶	۱۲/۰۶	۱۰/۱۰	پیش آزمون
سلیگمن									
معیار	شکرگزاری	(-۷/۸۲)	(۵۰/۷۲)	(۴۲/۹۰)	میانگین	۱۰/۱۰	۱۲/۳۰	۱۲/۰۶	انحراف
کلامی-	شکرگزاری	(-۳/۸۰)	(۵۲/۸۳)	(۴۹/۰۲)	میانگین	۶/۵۰	۷/۹۳	۲/۵۰	انحراف
عملی	کنترل	(۲/۸۶)	(۴۳/۲۱)	(۴۵/۸۵)	میانگین	۷/۸۵	۱۰/۱۰	۱۰/۷۲	انحراف
معیار									

نگاهی به یافته‌های ارائه شده در جدول ۲ نشان می‌دهد که کاسکوئر به دست آمده ناشی از مقایسه گروه‌های سه‌گانه شکرگزاری (امونس، سلیگمن و کلامی-عملی) و کنترل بر اساس تفاضل نمرات پیش و پس آزمون در متغیر شادکامی با توجه به مقادیر بحرانی معنادار می‌باشد. ج) با این حال ممکن است این سؤال پیش آید که تفاوت معنادار ارائه شده مربوط به کدامیک از مقایسه‌های است. یعنی اگر گروه‌ها دو به دو مقایسه شوند، کدامیک از گروه‌های دوتایی، دارای تفاوت معنادار در تفاضل نمرات پیش-پس آزمون می‌باشند. بدین خاطر در ادامه ارائه نتایج، و برای دقت و تکمیل یافته‌ها، تحلیل یومن ویتنی گروه‌های دوتایی که در آزمون کروسکال والیس تفاوت معناداری داشته‌اند، ارائه خواهد شد. نتایج مربوط به مقایسه میانگین‌های تفاضل نمرات پیش آزمون- پس آزمون متغیرهای عاطفه مثبت و شادکامی

تاثیر آموزش راهبردهای شاکرانه بر گسترش عواطف... ۱۴۵

گروه‌های شکرگزاری امونس، شکرگزاری سلیگمن و شکرگزاری کلامی- عملی، در مقایسه با گروه کنترل بر اساس آزمون یومن ویتنی در جدول ۳ ارائه خواهد شد.

جدول ۳. نتایج مربوط به مقایسه میانگین‌های تفاضل نمرات پیش آزمون- پس آزمون متغیرهای عاطفه مثبت و شادکامی گروه‌های شکرگزاری امونس، شکرگزاری سلیگمن و شکرگزاری کلامی- عملی، در مقایسه با گروه کنترل براساس آزمون یومن ویتنی

متغیر	مقایسه گروه کنترل و راهبرد		مقایسه گروه کنترل و راهبرد		مقایسه گروه کنترل و راهبرد	
	شاکرانه اamonس	شاکرانه سلیگمن	شاکرانه کلامی- عملی	Z مشاهده شده	Z مشاهده شده	Z مشاهده شده
عاطفه مثبت	-۳/۱۰	-۰/۰۱	-۳/۳۵	-۲/۱۷	-۰/۰۰۱	-۰/۰۳
شادکامی	-۱/۰۹	-۰/۲۹	-۲/۴۵	-۱/۹۲	-۰/۰۱	-۰/۰۵

نگاهی به نتایج جدول ۳ بیانگر تأثیر به کارگیری راهبردهای شاکرانه بر گسترش عاطفه مثبت و شادکامی می‌باشد. دو گروهی که از راهبردهای، شکرگزاری سلیگمن (۲۰۰۵) بر مبنای دیکرهوف (۲۰۰۷) و شکرگزاری کلامی- عملی استفاده کرده‌اند، عاطفه مثبت و شادکامی شان افزایش یافته‌است. همچنین، گروهی که از راهبرد، شکرگزاری امونس (۲۰۰۳) استفاده کرده است، عاطفه مثبت اش فزونی یافته‌است. بدین ترتیب می‌توان از تأثیرگذاری شکرگزاری بر عاطفه مثبت و شادکامی در این پژوهش سخن گفت.

د) در این قسمت شایسته است به نتایج تکمیلی که می‌توانند به تفهیم یافته‌های ارائه شده کمک نمایند، پردازیم. یافته‌های پژوهش حاضر، نشان می‌دهد که کالاسکوئر به دست آمده ناشی از مقایسه گروه‌های امونس، سلیگمن، کلامی- عملی و کنترل بر اساس تفاضل نمرات پیش آزمون گروه‌های شکرگزاری و کنترل در متغیرهای عاطفه مثبت و شادکامی با توجه به مقادیر بحرانی در سطح آلفای (۰/۰۵)، معنادار نیست. همچنین، کالاسکوئر به دست آمده ناشی از مقایسه گروه‌های امونس، سلیگمن، کلامی- عملی و کنترل براساس تفاضل نمرات پیش آزمون

گروه‌های شکرگزاری و کنترل در متغیر سن با توجه به مقادیر بحرانی در سطح آلفای (۰/۰۵)، معنادار نیست. همچنین، خی دو به دست آمده از مقایسه چهار گروه بر اساس نمرات پیش‌آزمون در متغیر انگیزه در گروه‌های چهارگانه، با توجه به مقادیر بحرانی در سطح آلفای (۰/۰۵)، معنادار نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

چرایی تأثیر الگوهای شکرگزاری بر میزان شادکامی و عاطفه مثبت از دو بعد قابل تأمل است. در بعد نظری، تأثیر مداخلات شکرگزاری می‌تواند به ماهیت شکرگزاری مرتبط باشد. پیش‌تر اشاره شد که شکرگزاری، به عنوان یک هیجان، حالتی استناد وابسته است که از یک فرایند دو مرحله‌ای شناختی حاصل می‌شود: الف- تشخیص اینکه آدمی چیز مثبتی را به دست آورده است و ب- تشخیص اینکه دیگری به عنوان یک منع بیرونی در به دست آوردن آن نتیجه مثبت سهیم است (واینر، ۱۹۸۵). بنابراین تلاش مداخلات یاد شده، نخست به ایجاد هشیاری یا آگاهی نسبت به داشتن‌ها و یا به دست آوردن‌ها مربوط می‌شود. اموری که شاید در کنار ما هماره در گذرند اما ما بدان‌ها به دیده اموری بسیار عادی می‌نگریم و نقش و جایگاه آنها را جدی نگرفته یا نادیده می‌انگاریم. در پی چنین آگاهی و توجه مثبتی، به منع این امر نیز دقت می‌کنیم، منبعی که شاید تاکنون، محدود‌تر، یا کمتر، از این منظر بدان نگریسته باشیم. بنابراین با وجود کوتاه بودن مداخلات به لحاظ زمانی، به نوعی سوگیری مثبت رقم خورده است. در بعد عملی، وجود پژوهش‌های همسو با یافته‌های این تحقیق بیانگر تأثیر شکرگزاری بر افزایش عاطفه مثبت و شادکامی بوده‌اند. بدین ترتیب که، مداخلات آزمایشی انجام شده در ارتباط با سازه شکرگزاری، افزایش شادکامی (سلیگمن، ۲۰۰۵، از گه گورل^۱، ۲۰۰۷، فروح^۲ و همکاران، ۲۰۰۷ و دیکرهوف، ۲۰۰۷) و عاطفه مثبت (مک‌کالگ و همکاران، ۲۰۰۲، از گه گورل، ۲۰۰۸a

1. Ozge Gurel, K.

2. Froh, J.

۲۰۰۷، واتکیتز^۱ و همکاران، ۲۰۰۳ و شلدون^۲ و لیبومیرسکی^۳، ۲۰۰۶) را نشان داده‌اند و در تحقیق حاضر نیز این تأثیر قابل مشاهده بوده است.

نتایج ارائه شده در جدول ۳، که مقایسه‌های دوتایی را امکان پذیر ساخته است، توجه را از منظری متفاوت، و نه کلی، به خود جلب می‌کند. درست است که راهبردهای شاکرانه در کل تأثیر مطلوب خود را آشکار نموده‌اند، اما چرا در برخی موارد، در مقایسه‌های دوتایی شاهد نوسان و تغییراتی در نتایج بوده‌ایم. به نظر می‌رسد راهبرد شاکرانه امونس (۲۰۰۳) نسبت به سایر راهبردهای سه‌گانه شادکامی کمتری را ایجاد نموده‌است. در این راهبرد آزمودنی به نوشتن ۵ داشته و منعم آن داشته‌ها در روز اکتفا می‌نماید، درحالی که شرکت کنندگان گروه راهبرد شاکرانه سلیگمن (۲۰۰۵) مبتنی بر دیکرهوف (۲۰۰۷) با نوشتن نامه به فردی که محبت ویژه‌ای نسبت به وی دارند، به احتمال بیشتری، سطح شادکامی شکرگزاری را علاوه بر جنبه شناختی آن تجربه نموده‌اند و این راهبرد شادکامی را به عنوان یک راهبرد مثبت فرونوی بخشیده‌است. همچنین، راهبرد شاکرانه کلامی-عملی با ورود قدردانی شناختی-هیجانی به گستره کلام، عمل و برقراری ارتباط اجتماعی، امکان تأثیرگذاری متفاوتی را فراهم نموده‌است. بنابراین، در این میان، راهبرد شاکرانه امونس (۲۰۰۳) شاید سطوح محدودتری از دستکاری آزمایشی را ایجاد نموده‌است.

در تحقیق حاضر، در تمامی موارد با محتوای شرایط نامه‌ها و ... آزمودنی‌ها سر و کار نداشته‌ایم و آن‌ها را در تحلیل‌های خود پی نگرفته‌ایم. آنچه که مدنظر بوده، ابزارهایی بوده که به سنجش متغیرهای متعدد اختصاص یافته، و اینکه تا چه حد این ابزارها توان سنجش واقعیت‌های آزمودنی‌ها را با تعدادی سوال داشته‌است، جای تأمل دارد. البته از آنجا که شرکت کنندگان در پژوهش را دانشجویان دانشگاه تشکیل می‌دهند و تعدادی از آن‌ها در محل‌های سکونت دانشجویی به صورت گروهی زندگی می‌کنند، مجاورت مکانی و تعاملات

1. Watkins, P. C.

2. Sheldon, K. M.

3. Lyubomirsky, S.

اجتماعی می‌تواند موجب متأثر شدن آن‌ها از تکالیف مربوط به یکدیگر شده باشد. بدون تردید کاوش در زوایای متعدد شکرگزاری می‌تواند جنبه‌های دیگری را ترسیم نماید که گشاینده برخی جنبه‌های مبهم باشد. بنابراین باید با امید به تحقیقات آینده، منتظر ماند تا گستره‌های تازه‌ای با توجه به شرایط فرهنگی، و نمونه‌های غیردانشجویی یا حتی نمونه‌های بالینی، پیشروی جامعه علمی قرار گیرد.

منابع فارسی

- بخشی پور، عباس و دژکام، محمود. (۱۳۸۴). تحلیل عاملی تأییدی مقیاس عاطفه مثبت و منفی. مجله روان‌شناسی ۳۶. سال نهم، شماره ۴. صص، ۳۵۱-۳۶۵.
- عبدی، محمدرضا؛ میر شاه جعفری، سید ابراهیم؛ لیاقتدار، محمد جواد. (۱۳۸۵). هنجاریابی پرسش نامه شادکامی آکسفورد در دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان. مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران. دوره دوازدهم، شماره ۲. صص، ۲۵۳-۲۵۴.
- کجاف، محمد باقر؛ عریضی، حمیدرضا و خدابخشی، مهدی. (۱۳۸۵). هنجاریابی، پایايس، و روايسی مقیاس خوش‌بینی و بررسی رابطه‌ی بین خوش‌بینی، خودتسلاط یابی، و افسردگی در شهر تهران. مجله مطالعات روان‌شناسی، دوره ۲، شماره ۱ و ۲، صص، ۵۱-۶۸.
- مظفری، ش. (۱۳۸۲). بررسی همبسته‌های شادمانی ذهنی بر اساس الگوی پنج عاملی در میان دانشجویان دانشگاه شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه شیراز. صص، ۲۵-۳۰.

منابع لاتین

- Adler, M. G. & Fagley, N. S. (2005). Appreciation: Individual Differences in Finding Value and Meaning as a unique Predictor of Subjective Well- Being. *Journal of Personality*, 73, 79- 114.
- Algoe, Sara. B., Haidt, J., & Gable, S. L. (2008). *Beyond Reciprocity: Gratitude and Relationships in Everyday Life. Emotion*. 8,(3), 425-429.
- Argyle, M., Martin, M. R. & Crossland, J. (1989). *Happiness as a function of personality and social encounters*. In J. P. Forgas & R. J. M. Innes (Eds.). Recent advances in social psychology: An international perspective. (p.p. 189- 203). North Holland: Elsevier.
- Baumgarten-Tramer, F. (1938). "Gratefulness" in children and young people. *Journal of Genetic Psychology*, 53, 53- 66.
- Becker, J. A. & Smenner, P. C. (1986). *The spontaneous use of "thank you" by preschoolers as a function of sex, socioeconomic status, and listener status*. Language in Society, 15, 537- 546.
- Clore, G. L., Ortony, A. & Foss, M. A. (1987). The Psychological foundations of the affective lexicon. *Journal of Personality and Social Psychology*, 53, 751- 766.
- Dickerhoof, R. M. (2007). *Expressing Optimism and Gratitude: A Longitudinal Investigation of Cognitive Strategies to Increase Well-Being*. A Dissertation submitted in partial satisfaction of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in Psychology. University of California Riverside.
- Emmons, R. A, & McCullough, M. (2003). Counting Blessings Versus Burdens: An Experimental Investigatin of Gratitude and Subjective Well- Being in Daily Life. *Journal of Personality and Social Psychology*, 84, (2), 377- 389.
- Emmons, R. A., & Crumpler, C. A. (2000). Gratitude as a human strength: Appraising the evidence. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 19, 56- 69.
- Fredrickson, B. L. (2001). *The role of positive emotions in positive psychology: the broaden-and-build theory of positive emotions*. American Psychologist, 56, 218- 226.
- Froh, J., & Sefick, W. L. & Emmons, R. A. (2008a). Counting blessings in early adolescents: An experimental study of gratitude and subjective Well-Being. *Journal of School Psychology*, 46, 213- 233.
- Froh, J., Miller, J. & Snyder, S. F. (2007). *Gratitude in children and Adolescents: Development, Assessment, and School-Based Intervention*. Research in practice, 2(1), 1- 13.
- Gleason, J. B., & Weintraub, S. (1976). *The acquisition of routines in child language*. Language in Society, 5, 129- 136.
- Gordon, A. K., Musher-Eizenman, D. R., Holub, S. C. & Dalrymple, J. (2004). *What are children thankful for? An archival analysis of ratitude before and after the attacks of September 11*. Applied Developmental Psychology, 25, 541- 553.
- Hyland, M. E., Whalley, B. & Geraghty, A. W. A. (2007). Dispositional predictors of placebo responding: A motivational interpretation of flower essence and gratitude therapy. *Journal of Psychosomatic Research*, 62, 331- 340.

- Kemp, R., Hayward, P., Applewhaite, G., Everitt, B. & David, A. (1996). *Compliance therapy in psychotic patients: randomised controlled trial*. Department of Psychological Medicine, King's College Hospital, London. 10,312 (7027), 345- 349.
- Keyes, C. L. M. (2007). *Promoting and protecting mental health as flourishing: A complementary strategy for improving national mental health*. American Psychologist, 62, 95-108.
- McCullough, M. E., Emmons, R. A. & Tsang, J. (2002). The Grateful Disposition: A Conceptual and Empirical Topography. *Journal of Personality and Social Psychology*, 82, (1), 112- 127.
- McCullough, M. E., Kilpatrick, S. D., Emmons, R. A. & Larson, D. B. (2001). *Is gratitude a moral affect?* *Psychological Bulletin*, 127, 249– 266.
- McIntosh, Elizabeth M. (2007). *Noticing and appreciating the sunny side of life: exploration of a novel gratitude intervention that utilizes mindfulness techniques*. Faculty of the College of Arts and Sciences of American University (Washington, D. C.). A Dissertation in partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of philosophy in psychology.
- Naito, T., Wangwan, J. & Tani, M. (2005). Gratitude in university students in Japan and Thailand. *Journal of Cross Cultural Psychology*, 36, 247- 263.
- Neto, F. (2007). Forgiveness, Personality and gratitude. *Journal of Personality and Individual Differences*, 43, 2313- 2323.
- Ozge Gurel, K. (2007). *Effects of Gratitude on subjective well-being, self- construal and memory*. Submitted to the faculty of the college of arts and sciences of American University in partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of philosophy in psychology.
- Seligman, M. E. P., Steen, T. A., Park, N. & Peterson, C. (2005). *Positive Psychology Progress, Empirical Validation of Interventions*. The American psychological Association. 60, (5), 410- 421.
- Sheldon, K. M. & Lyubomirsky, S. (2006). How to increase and sustain positive emotion: The effects of expressing gratitude and visualizing best possible selves. *The Journal of Positive Psychology*, 1, (2), 73- 82.
- Solomon, R. C. (1995). *The cross-cultural comparison of emotion*. In J. Marks, & R. T. Ames (Eds.), *Emotions in Asian thought* (pp. 253- 294). Albany: State University of New York Press.
- Thorndike, J. M. (2007). *Gratitude and Human Flourishing: Examining the Benefits of Gratitude on Effective Coping, resilience and Well-being*. A Dissertation Presented to the Faculty of the Graduate School of Psychology Fuller Theological Seminary, for the Degree Doctor of Philosophy (psychology).
- Ventimiglia, J. C. (1982). *Sex roles and chivalry: Some conditions of gratitude to altruism*. Sex Roles, 8, 1107- 1122.
- Watkins, P. C., Scheer, J., Ovnicek, M. & Kolts, R. (2006). *The debt of gratitude: Dissociating gratitude and indebtedness*. Cognition & Emotion, 20, 217- 241.

- Watkins, P. C., Woodward, K., Stone, T., Kolts, R. L. (2003). *Gratitude and happiness: Development of a measure of gratitude and relationships with subjective well-being.* Social Behavior and personality, 31, 431- 452.
- Watson, C. L. A., Clark, L. A. & Tellegen, A. (1988). Development and validation of brief measures of positive and negative affect: The PANAS scales. *Journal of personality and social psychology*, 54, 1063- 1070.
- Weiner, B. (1985). *An attributional theory of achievement motivation and emotion.* Psychological Review, 92, 548- 573.
- Wood, A. M., Joseph, S. & Maltby, John. (2009a). *Gratitude predicts psychological well-being above the Big Five facets.* Personality and Individual Differences, 46, 443-447.
- Wood, A. M., Joseph, S., Lloyd, J. & Atkins, S. (2009b). Gratitude influences sleep through the mechanism of pre-sleep cognitions. *Journal of Psychosomatic Research* 66, 43- 48.
- Wood, A. M., Maltby, J., Gillett, R., Linley, P. A, & Joseph, S. (2008a). The role of gratitude in the development of social support, stress, and depression: Two Longitudinal studies. *Journal of Research in Personality* 42, 845- 871.
- Wood, A. M., Maltby, J., Stewart, N., Linley, P. A. & Joseph, S. (2008b). *A Social Model of Trait and State Levels of Gratitude.* Emotion, 8, 2, 281- 290.
- Wood, Alex M., Joseph, Stephen. & Maltby, John. (2008c). *Gratitude uniquely predicts satisfaction with life: Incremental validity above the domains and facets of the five factor model.* Personality and Individual Differences, 45 49– 54.

